

# فاشیسم شرقی

**فرید درفش‌ی**: با ظهور گروه موسوم به «داعش»، به قدرت رسیدن آن و بازتاب

گسترده فعالیت‌هایش در رسانه‌ها، بار دیگر بحث‌های بسیاری پیرامون پدیده فاشیسم، تروریسم و بنیادگرایی شکل گرفته است. پرسش‌های مختلفی راجع به این موضوع در گفتارهای سیاسی و اجتماعی مطرح شد: آیا این نوع از فاشیسم و خشونت عریان آن، پدیده‌ای منحصربه‌فرد یا رویدادی نادر است که از بد روزگار هر از گاهی در بخشی از جهان ظاهر می‌شود، ولی سرانجام، خود در بین ویرانی‌هایی که به بار آورده از میان می‌رود؟ یا اینکه داعش صرفا وجه آشکار ظهور نیروهای مخوفی است که در ورای زندگی روزمره ما پنهان شده و آن را محاصره کرده است؟ ایدئولوژی‌هایی که محرک شکل‌گیری این نوع از فاشیسم است، از کجا سر برمی‌آورد که به‌ناگاه آرامش ظاهری زندگی ما را برهم می‌زند؟ آیا با محارزه مسسلحانه می‌توان از شر آن خلاص شد یا به تغییری ساختاری نیاز است، یعنی تلاش برای دگرگونی ساختارهایی که منجر به ظهور فاشیسم می‌شود؟ و بسیاری پرسش‌های دیگر که یافتن پاسخ برای آنها، به‌ویژه در دوره‌هایی مانند دوره ما حیاتی است؛ دوره‌ای که بحران فاشیسم به‌قدری حاد است که نمی‌توانیم به پاسخ‌های آماده و دم‌دستی راضی شویم. از

این‌رو، نیاز به مطالعه و پژوهش دقیق در این دوره بیشتر از هر زمانی احساس می‌شود و همچنین نیاز به اطلاعات موثق، روشی برای تحلیل آن و نیز درک و فهم علل و عوامل ظهور این پدیده موحدی برای یافتن راهکارهای مقابله با آن. تا به امروز کتاب‌ها و مقالات زیادی از متفکران و نظریه‌پردازان غربی در رابطه با داعش به چاپ رسیده است. برخی از این متفکران با بهره‌بردن از مفاهیم و نظریه‌های فلسفی و سیاسی، می‌کشوند علل و عوامل شکل‌گیری این‌ پدیده را بیابند و آن را در زمینه تاریخی و اجتماعی آن مورد بررسی قرار دهند. اگرچه تاکنون متفکران برجسته در

مقالات خود و سیمینارهای مختلفی که برگزار کرده‌اند، تحلیل‌های بسیار دقیق و درخشانی از فاشیسم و پدیده‌های مرتبط با آن ارائه داده‌اند؛ درک آن نوع از فاشیسم که در شرق و به‌ویژه در خاورمیانه وجود دارد، نیاز به آشنایی بیشتر با زمینه‌های فرهنگی و تاریخی شکل‌گیری آن و بررسی انضمامی ریشه‌ها و علل ناحیه‌ای آن دارد. به این علت، هر چند متفکران تخصصی‌تری به نظریه‌ها و ابزارهای مفهومی سنت نظری غربی مجهز نیستند، امتیاز آنها زندگی در دل وضعیت تاریخی و فرهنگی‌ای است که سودای تحلیل و تغییر آن را دارند. همچنین گستره اثرگذاری آنها روی مردمی که در همسایگی‌شان زندگی می‌کنند، قرون‌تر و توانایی آگاهی‌بخشی آنها به این مردم بیشتر است. باین‌حال، آثار این نویسندگان در خارج از محدوده‌های بومی و محلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اخیرا کتابی با عنوان «داعش، خشونت شرقی و نقد فاشیستی» به چاپ

رسیده که مجموعه مقالات بختیار علی، نویسنده کردزبان، است. در این مقالات، او با رویکردی نظری و با استفاده از نظریات و مفاهیم متفکران غربی (ازجمله لاکان، ژژک، هگل، آگامبن و دلوز) به مسئله ظهور فاشیسم در شرق می‌پردازد و شیوه‌های مبارزه با آن را بررسی می‌کند. به این مجموعه دو مقاله از نویسنده کردزبان دیگر، میروان قانع نیز اضافه شده است که نگاهی انتقادی به رویکرد بختیار علی دارد.

در این مقالات، بختیار علی با نقد رویکرد روشنفکران شرقی که داعش را طرحی ازپیش برنامه‌ریزی‌شده می‌دانند، می‌کوشد فرایندهایی را آشکار سازد که «در نهان، ساختارهای سیاسی و اجتماعی را به پیش می‌برند»؛ فرایندهایی که این روشنفکران از آن غافلند. او معتقد است شباهتی ساختاری بین تمامی اشکال و مظاهر فاشیسم در شرق وجود دارد. ایدئولوژی‌هایی که سعی در تمایزگذاری بین هویت‌ها و جداسازی آنها دارند، این شباهت را انکار می‌کنند، ولی مزی که آنها بین هویت‌های مختلف در شرق می‌کشند، صرفا زاده توهم آنها است؛ توهمی که کارکردش پنهان‌کردن روابط و مناسبات واقعی اجتماعی و سرپوش‌گذاشتن

روی «قوانین کلی و عمومی در ساختارهای شرقی» است؛ ساختارهایی که منجر به ظهور فاشیسم در شکل‌های مختلف آن می‌شوند. هر جا که گروهی خود را چنان به قلاب هویت می‌آویزند که در برابر هرگونه تغییری مقاومت و هر هویت دیگری را انکار می‌کنند، «ماشین فاشیسم» به کار می‌افتد. «مدرنیسم در شرق منج به یک طاعون خطرناک شده است و آن آرزوی جدایی است»؛ آرزویی که در فروغلتیدن دیوانه‌وار به قالب هویت نمایان می‌شود. این «هویت مطلق» می‌خواهد «تصویر ایده‌آل گذشته» را بازسازی کند، بنابراین در برابر هرگونه «نفی دیالکتیکی» مقاومت می‌کند، زیرا «دیالکتیک به معنای نفی کامل دیگری نیست، بلکه نفی‌کردن خود است». آنچه مانع این فرایند می‌شود کاپیتالیسم است. «کاپیتالیسم شرقی» برخلاف گونه غربی آن، متکی به بازار و کارخانه نیست؛ ابزار تکنولوژیک و صنعتی مخصوص به خود ندارد و از دل یک «عقلانیت علمی» سر برنیاورده است. این کاپیتالیسم ریشه در هویت (قومی، قبیله‌ای و دینی) دارد؛ هویتی که ابزاری ایدئولوژیک برای بازتولید آن فراهم می‌کند. از دل همین فرایند است که فاشیسم سر برمی‌آورد. داعش صورتی از فاشیسم است که در ساختار تفاوتی با گونه‌های پیشین خود ندارد، فقط از آنها درنده‌خوتر و مخرب‌تر است: «داعش تنها برجسته‌سازی و شکل بنیادین‌تر همان قالب ایدئولوژیکی است که پیش‌تر در سیمای بعضی‌ها، القاعده، برنیاورده است. این کاپیتالیسم ریشه در هویت (قومی، قبیله‌ای و دینی) دارد؛ هویتی که ابزاری ایدئولوژیک برای بازتولید آن فراهم می‌کند. از دل همین فرایند است که فاشیسم سر برمی‌آورد. داعش صورتی از فاشیسم است که در ساختار تفاوتی با گونه‌های پیشین خود ندارد، فقط از آنها درنده‌خوتر و مخرب‌تر است: «داعش تنها برجسته‌سازی و شکل بنیادین‌تر همان قالب ایدئولوژیکی است که پیش‌تر در سیمای بعضی‌ها، القاعده، آتاتورکیسم و دیگر گروه‌های افراطی ظاهر شده بود». کاپیتالیسم شرقی با تأکید افراطی بر هویت، منجر به ظهور این پدیده می‌شود. منظور از هویت چیست؟ از نظر نویسنده، هویت یک تصویر خیالی است، تصویری «که گروهی اجتماعی درباره خود دارد». هویت با ایده‌آل جاودانگی پیوند دارد، هدف آن حفظ و بقای خود است. محرک این ایده‌آل ترس از مرگ است، ترس از زوال و نابودی. در اینجا با یک «هویت ابدی» مواجهیم که می‌خواهد مرگ را بقیام علیه آن شکست دهد. فاشیسم آن نیرویی است که افراد را وامی‌دارد حتی به قیمت نابودی خود، هویت‌شان را حفظ کنند. فاشیسم چگونه این کار را انجام می‌دهد؟ با جداسازی و مرزکشی بین هویت‌ها تا هیچ جایی برای شباهت و مشارکت بین‌شان باقی نماند. فاشیسم «هویتی است که رابطه پارائویی با جهان دارد». از نظر گاکه

| <div><span><span></span></span></div>                         |
|---------------------------------------------------------------|
| <div><div><span><span><span></span></span></span></div></div> |
|                                                               |
| داعش                                                          |
| خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی                                  |
| بختیار علی                                                    |
| ترجمه: سردار محمدی                                            |
| ناشر: مرکز                                                    |
| قیمت: ۱۱۵۰۰ تومان                                             |

فاشیست، «دیگری» آن قدر فاصله دارد که هیچ همدلی‌ای با او ممکن نیست؛ او پست و حقیر است و ارزش زندگی‌کردن ندارد. دیگری به‌منابه یک تهدید برای هویت فرد ظاهر می‌شود؛ تهدیدی که باید آن را از میان برداشت. فاشیسم می‌خواهد تا نهایت ویرانگری و حذف دیگری پیش برود، تا آنجاکه هیچ هویتی جز هویت او باقی نماند. ولی این امر امکان‌پذیر نیست، بنابراین «فاشیسم خشونتی است که هرگز به هدف خود نخواهد رسید». از این‌رو، شاهد نبردی همیشگی بین نیروهای مختلف هستیم. چگونه می‌توانیم این ستیز دائمی و خشونت ناشی از آن را از میان برداریم، بی‌آنکه خود درگیر این نبرد شویم؟

به عبارت دیگر، چگونه می‌توانیم در برابر فاشیسم مقابله کنیم، «بدون آنکه خود تبدیل به ماشین فاشیستی شویم»؟ نبرد بر ضد فاشیسم باید آگاهانه و همراه با شناخت کافی از نیروهای سازنده آن باشد. از نظر نویسنده، فاشیسم در شرق، برخلاف مورد غربی آن، از یک ایده یا نگرش نظری و سیاسی به وجود نمی‌آید. «بخش بزرگی از نیروهای شرقی،

## ده روز با داعش

در جهان سفر می‌کند تا گزارشی متصفانه از شیوه‌های زندگی آنها فراهم کند. این رویکرد با وجود اینکه سطحی و فاقد بصیرت نظری است، نمونه خوبی است از نگاه عام به علل شکل‌گیری پدیده داعش. ولی آنچه موجب اهمیت کتاب است، تلاش نویسنده در شرح کامل جزئیات آنچه تجربه کرده و توصیف دقیق او از خاطراتی است که در این سفر داشته. او برای رفتن به این سفر، ابتدا با کمک قاچاقچیان مرزی از مرز ترکیه عبور می‌کند تا به شهر رقه در سوریه برود؛ شهری که تحت کنترل «داعش» قرار دارد. در آنجا چند نفر از فرماندهان و پیکارجویان او را همراهی



### نگاهی از درون به داعش

**یورگن تودنهوفر**

**ترجمه: رحمان افشاری**

**ناشر: مهر اندیش**

**قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان**

### اندیشه



کوبانی، مقاومت کردها در برابر داعش

نیروهایی هستند که بنیاد تئوریک ندارند»، بلکه «مجموعه‌ای از نگرش‌های اجرایی و تاکتیکی است». آگاهی از این استراتژی‌ها منوط به بازگرداندن تفکر سیاسی به عرصه حیات سیاسی است. ایدئولوژی‌ها سوژه را خطاب می‌کنند تا او را به بند یک هویت درآورند. مقابله با فاشیسم یعنی ایستادن در برابر این ایدئولوژی‌ها، «نبرد با لحظات ساختن سوژهٔ انسانی تحت فراخوان‌های ایدئولوژیک» و ساختن هویتی دیگر برای خود. نویسنده در مقاله‌ای درباره مقاومت کوبانی، به نقد ایدئولوژی‌هایی پرداخته که به کوبانی مانند یک قربانی می‌نگرند، زیرا نقش قربانی «نقش قدیمی و تاریخی» کردهاست؛ انسان‌هایی که مانند مسیح باید خود را قربانی کنند تا بشریت زنده بماند. نویسنده با استفاده از «معادله ارباب و بنده» هگل سعی در تشریح این فرایند دارد؛ با این تفاوت که «ارباب شرقی» برخلاف ارباب هگلی، برای تصدیق خود به تسلیم و سرفروزدن بنده راضی نمی‌شود، او باید بنده را از میان بردارد تا هویت خود را تضمین کند. در اینجا نیروی سومی ظاهر می‌شود که می‌خواهد این رابطه را کنترل کند و نیروهای نابودگری را که خود آزاد کرده، مهار کند. این نیروی سوم ناجی بنده نیست، بلکه می‌خواهد چهره واقعی نظامی را پنهان کند که در سیمای ارباب جلوه‌گر شده است. نویسنده کوبانی را با آشویتس مقایسه می‌کند و به تاسی از آگامبن آن را جایی می‌داند که «در آن حقیقت نظام، جایگاه انسان و شیوه‌های واقعی نگرش نسبت به انسان به‌وضوح دیده می‌شود». مدافعان کوبانی نماینده نبرد با تروریسم نیستند، «آنها نبرد واقعی انسانی طبیعی را به پیش می‌برند». دفاع کوبانی مقدم بر هر ایدئولوژی‌ای، دفاع از «حیات برهنه» است. «نبرد در اینجا برای تغییر جهان نیست، بلکه برای حفظ خود است». تنها فریادرس کوبانی خود اوست، نظام از او حمایت نمی‌کند، زیرا نمی‌خواهد اثری از این نوع مقاومت باقی بماند. مقاله میروان قانع واکنشی است به این نوع نگرش. او در تقابل با بختیار علی، دفاع کوبانی را «پروژه ساختن یک آرمان‌شهر» می‌داند: در کوبانی موضوع نه حفظ حیات برهنه و نه نبرد «پیش‌ایدئولوژیک» است، دفاع کوبانی «نبردی در ساخت آرمانی نیرومند درون ناسیونالیسم است که به‌شدت با ایده‌های آزادی و برابری گره خورده است». مصداق بارز تحقق این ایده‌ها در کوبانی، ازبیر رفتن تفاوت جنسیتی و نبرد زنان در کنار مردان است؛ زنانی که نقش کلیدی در ساختن این آرمان‌شهر دارند. «کوبانی هم پروژه و رؤیای آرمان‌شهر و هم واقعیت آرمانی در محاصره ویران‌شهر است». بختیار علی در مقاله‌ای دیگر به نقد میروان قانع پاسخ داده و نگاه آرمان‌شهری به کوبانی را نقد کرده است. از نظر او، چنین رویکردی از دل ایدئولوژی‌ای سر برمی‌آورد که ویژگی‌اش بی‌ارزش‌کردن زندگی است. از نگاه این ایدئولوژی «ارزش‌های دینی، فلسفی و ایدئولوژیک»ی وجود دارد که فراتر و بالاتر از ارزش زندگی است. ولی «مبارزه کوبانی اینک مبارزه برای حل مشکلاتی نیست که بشریت در طول تاریخ خود نتوانسته است آنها را حل کند»، بلکه ایستادن در مقابل ماشین فاشیستی است که کمر به نابودکردن حیات انسانی بسته است.

مبارزان کوبانی به دنبال برقراری آرمان‌شهر نیستند، بلکه هدفشان «حفظ شهر و نجات جان ساکنان باقی‌مانده در شهر است». اگر روحیه مقاومت در کوبانی خصیصه آرمان‌شهری دارد، چرا این روحیه در نواحی دیگر کردستان مشاهده نمی‌شود؟ زیرا ناسیونالیسم کردی همواره «واکنشی» بوده و همیشه شکست خورده است. کوبانی زاده همین شکست است. کوبانی «زاده تنهاماندن یک شهر است» و مولود پاره‌پاره‌شدن و دورافتادگی سرزمینی است که ناسیونالیسم کردی نتوانسته آن را یکپارچه کند. کوبانی در تقابل با هر ایدئولوژی‌ای، «مظهر نیروهای انفجاری» است که از دل زندگی برمی‌خیزند. کوبانی نماد دفاع در برابر هر چیزی است که زندگی را به بند می‌کشد. در اینجا «انسان خود را به‌عنوان تنها فریادرس خود کشف می‌کند».

#### ریویو

#### ریشه‌های گرایش به دین

تاکنون تعاریف متعددی از روان‌شناسی دین ارائه شده است که نشانگر تنوع نظام‌های روان‌شناختی دین است. از نظر ویلیام جیمز، دین عبارت است از تأثیرات و احساسات و رویدادهایی که برای هر انسانی در عالم تنهایی و دور از همه بستگی‌ها، روی می‌دهد به‌طوری‌که انسان از این مجموعه درمی‌یابد که بین او و آنچه امر خدایی می‌نامد رابطه‌ای برقرار است. یونگ معنای دین را متناسب با ریشه آن در زبان لاتین عبارت می‌دانست از تفکر از روی وجدان و با کمال توجه. شلایرماخر دین را با احساس و به طور جزئی با احساس وابستگی ربط می‌دهد. از نظر ساموئل کینگ دین عبارت است از ایمان به قوای ماوراءالطبیعه یا امر رموزی که ناشی از احساس ترس و وحشت و پرستش است.

کتاب «روان‌شناسی و دین» از آثار جدید و نسبتاً کامل در این زمینه است. نویسنده داده‌های خود را عمدتاً با اتکا بر پژوهش‌های میدانی، آزمون‌های شناخته‌شده

روان‌شناسی و مطالعه مستقیم غیرمستقیم کنشگران به دست آورده است. طلی این پژوهش‌ها موضوعات دینی در مورد افراد گروه کنترل و گروه آزمایش بررسی شده و براساس مشاهدات، نتایجی به دست آمده است. علاوه بر نظریات دانشمندان برجسته و سرشناس در حوزه روان‌شناسی، در این کتاب موضوعات دینی امروزی‌تر از جمله شکل و شیوه اجتماعی‌شدن، آثار ادعیه بر فرد و جهان ... بررسی شده است. آرگیل در تألیف این کتاب از آثار و نظریات دیگر روان‌شناسان بزرگ نیز نظیر یونگ و فروید استفاده کرده و آن موارد را به دقت ارجاع داده است. برخی مضامینی که در این کتاب می‌خوانیم عبارتند از: تعارض‌های سنتی بین علم و دین، تعارض‌های جدید بین روان‌شناسی و دین، اجتماعی‌شدن، تغییر کیش، تأثیرات تغییر کیش، دین در سننین مختلف، تفاوت‌های جنسیتی در دین، تبیین تجربه دینی، کهن‌الگوها، شعارن و کاریزما، تأثیر دین بر رفتار، رابطه جنسی بین از ازدواج، تطور تاریخی اخلاق و دین، بنیادگرایی، دینداری باطنی، تبیین دینداری آمریکایی، حضور در کلیسا و...

مایکل آرگیل از مشهورترین روان‌شناسان علمی و دانشگاهی است که روان‌شناسی اجتماعی را به صورت علمی در دانشگاه آکسفورد بنیان نهاد. آثار او حوزه‌های روان‌شناسی دین، مهارت‌های اجتماعی، روابط غیرکلامی و روان‌شناسی اجتماعی را شامل می‌شود. روان‌شناسی دین به بررسی وضعیت‌های روان‌شناسانه در جامعه، وجدان گروهی و فردی که در ایجاد، توسعه، کارکرد و ازبیر رفتن یک دین مؤثر است می‌پردازد. همچنین محتوای ساختار و جهت‌گیری این پدیده‌ها و جایگاه و نقششان در خود دین و زندگی خارج از دین موردعلاقه این علم است. کار اصلی روان‌شناسی دین، تعریف و توضیح جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه از پدیده‌های دینی است. روان‌شناسی دین در ابتدای قرن بیستم و تحولاتش‌های متفکرانی همچون ویلهلم وونت، ویلیام جیمز و جیمز لوبا به وجود آمد. در این عرصه در غرب هر دو دیدگاه غریذنی و کلیسایی به وجود آمدند. پایه‌های فلسفی دیدگاه غریذنی را مکتب‌هایی همچون پراگماتیسم، پوزیتیویسم و پدیدةشناسی استوار کردند.



#### روان‌شناسی و دین

**مایکل آرگیل**

**ترجمه: سجاد دهقان زاده**

**ناشر: کتاب پارسه**

**قیمت: ۳۴۰۰۰ تومان**

#### گفت‌وگو

#### گفت‌وگوی کوتاهی با دیوید هاروی

#### بازرس باکت در شهر

**ترجمه: سهند ستاری**

**کا در جوانی شیفته چه نوع ادبیاتی بودید؟**

در مدرسه در نمایش‌نامه‌های زیادی بازی می‌کردم و به شکسپیر علاقه‌مند شدم. همین‌طور به شاعران متافیزیکی (اندرو مارول، جان دان) و تی‌اس‌الیوت (چهار کوارتت که تا همین امروز به نظم حقیقتاً زیباست). عادت داشتم وقتی سوار قطار ۶:۳۰ صبح (سرویس ویژه کارگران) به سمت لندن می‌شدم و در صف اجراهای شکسپیر می‌ایستادم ادبیات می‌خواندم؛ اجراهایی مثل لویه، ویوین‌لی، جان کیلگد و حتی اورسون ولز در نقش اتللو که حقیقتاً به یادماندنی بود. فکر کنم خیلی از اینها در سال‌های بعد در تدریسم کمکم کرد.

**کا کتاب شما، راهنمای «سرمایه» مارکس، به داد خیلی‌ها رسید.**

**چه کسی به شما در خواندن سرمایه کمک کرد؟**

جلد اول سرمایه را اولین بار با گروهی مطالعاتی در سال ۱۹۷۰ خواندم که بیشترشان دانشجویان تحصیلات تکمیلی بودند. همه ما گنج شده بودیم و چارچوب‌های علم اجتماعی دیگر جواب‌گوی سؤالاتمان نبود، چارچوبی که ظاهراً نمی‌توانست کمکی به ما کند؛ در درک آشفتنکی شهرها، در واکنش‌های متفاوت به جنبش‌های حقوق مدنی، در جنگ ویتنام که عمده‌اش آشکارا برآمده از جاه‌طلبی‌های امپریالیستی بود و همچنین رویکرد فرمایشی دانش در دانشگاه.

ما به مارکس روی آوردیم تا ببینیم چیزی داشت که بتواند ما را از بی‌خبری درآورد و خب خیلی از ما به این نتیجه رسیدیم که بله، چنین چیزی وجود دارد، اگرچه هیچ‌کدام از ما (ازجمله خود من) خواندن ما را «مارکسیست» نمی‌دانستیم.

**کا کتاب کدام محقق تازه‌کار این اواخر نظر شما را جلب کرده است؟**

من واقعا از کتاب «ال‌آلتو، شهر شورشی: خود و شهروندی دراند بولیوی» اثر سیان لازار لذت بردم. این انسان‌شناس که در یکی از شگفت‌آورترین شهرهای جهان از نزدیک با مردم و جماعت کوچک‌وخیابان کار می‌کند، همچون محققان قبل از خودش این‌طور نتیجه گرفت که با وجود آشوب و هیاوهی بسیار زیاد، هرگونه تغییر و تحول انقلابی بعید است – اما درست وقتی یافته‌هایش را به رشته تحریر درمی‌آورد، فهمید شورش‌های انقلابی دارد تاروپود بولیوی را از نو می‌سازد و نظم سیاسی جدیدی برقرار می‌کند که

| <div><span><span></span></span></div>                         |
|---------------------------------------------------------------|
| <div><div><span><span><span></span></span></span></div></div> |
|                                                               |
| هفده تناقض و پایان سرمایه‌داری                                |
| دیوید هاروی                                                   |
| خسرو کلانتری، مجید امینی                                      |
| ناشر: کلاغ                                                    |
| قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان                                             |



از دل آن مورالس به قدرت می‌رسد. لزار به ال‌آلتو نگاشت تا بفهمد چطور تا این حد مسئله را اشتباهی فهمیده بود. من مجذوب این روایت شدم چون معمولاً خیلی به آمار و ارقام اعتماد می‌کنیم و بیش‌ازپیش متکی هستیم به تحلیل‌های داده‌های عظیم آماری. به نظرم، آنچه حیاتی است و این کتاب تا حدی به آن پرداخته، امر غیرقابل اندازه‌گیری و عینی است.

این باور که اگر نشود چیزی را دقیق اندازه‌گیری کرد پس آن چیز وجود ندارد، یکی از خطرناک‌ترین و احمقانه‌ترین ایده‌های زمانه است.

**کا اثر داستانی مورد علاقه شما چیست؟**

وقتی بچه بودم مجبورمان می‌کردند دیکتزن بخوانیم و از این کار متفر بودم. اما در «۳۰سالگی شروع کردم به خواندن دیکزن و خیلی خوشم آمد و تا امروز کتاب مورد علاقه‌ام «خانه قانون‌زده» است. به‌عنوان یک پژوهشگر شهری شیوه دیکزن در تصویرکردن کیفیت‌های زندگی شهری مرا به هیجان می‌آورد، خصوصاً با آن پایان بی‌نظیری که نمونه‌ای از محیط لندن را موقعی نشان می‌دهد که کاراکاه «باکت» به دنبال دوشیزه دلداک گمشده است. آنچه مرا سر شوق می‌آورد نه‌فقط توصیف محیط‌ها، بلکه شیوه باکت در درخشانی از روش تحقیق است. هر وقت که به شهر جدیدی می‌رسم تصور می‌کنم که من، همچون بازرس باکت، باید بفهمم داستان این شهر چیست.

**کا شما کتاب «هفده تناقض و پایان سرمایه‌داری» را خطرناک‌ترین کتابی توصیف کرده‌اید که تاکنون نوشته‌اید. اگر کتاب‌ها هنوز می‌توانند خطرناک باشند، خب، چرا سوزاندن و ممنوع اعلام‌کردن آنها نزد دولت‌ها با دیگر مراجع قدرت معمول نیست؟**

خب، الان قضیه مثل گذشته نیست. در بسیاری از کشورهای دیکتاتوری نظامی آمریکای‌لاتین اگر یک نسخه از کارهای مارکس در قفسه کتابخانه‌ات داشتید به احتمال زیاد سر به نیست می‌شدید است. ریستم و خودکشی‌های الیته همین الان هم ضبط «کتاب‌های خطرناک» هر روز در خیلی جاهای دنیا اتفاق می‌افتد.

در این گوشه جهان که ما زندگی می‌کنیم، چنین چیزی پیش نمی‌آید، چون روش‌های کم‌سروصدارتی برای سانسور و کنترل ایدئولوژیکی وجود دارند تا کتاب‌های خطرناک را «مهیجور» نگه دارند و تأثیر دیدگاه‌هایی را که ابراز و اشاعه می‌دهند محدود کنند، ولی قدرت‌هایی که خودسانسوری را درونی می‌کنند در محدودکردن صورت‌بندی و تأثیرگذاری ایده‌های خطرناک مؤثرند.

**کا آخرین کتابی که هدیه دادید چه بود؟**

من خیلی از کتاب‌هایی را در سفرها به مشتاقان مطالعه می‌بخشم و کتاب‌هایی که به همراه دارم خیلی زود تمام می‌شود. **کا الان در حال خواندن چه کتابی هستید؟** کتاب‌هایی که باید و می‌خواهم بخوانم آن‌قدر زیادند که نمی‌دانم از کجا شروع کنم. اما هر وقت که برای فهم چیزی به تقلا می‌افتم، سراغ مارکس می‌روم و خصوصاً گروندریسه که گنجینه شگفت‌آوری از روشنگری، نظروزی و الهام است.

می‌دانم که خسته‌کننده به نظر می‌آید اما من اغلب نسخه درب‌دافونسی از آن را با خودم به هر کجا که می‌روم می‌برم. ممکن است روزی مرا در فرودگاهی ببینی که یک نکته جالب نواز گروندریسه انگشت به دهنام کرده است.

منبع: [www.timeshighereducation.com](http://www.timeshighereducation.com)